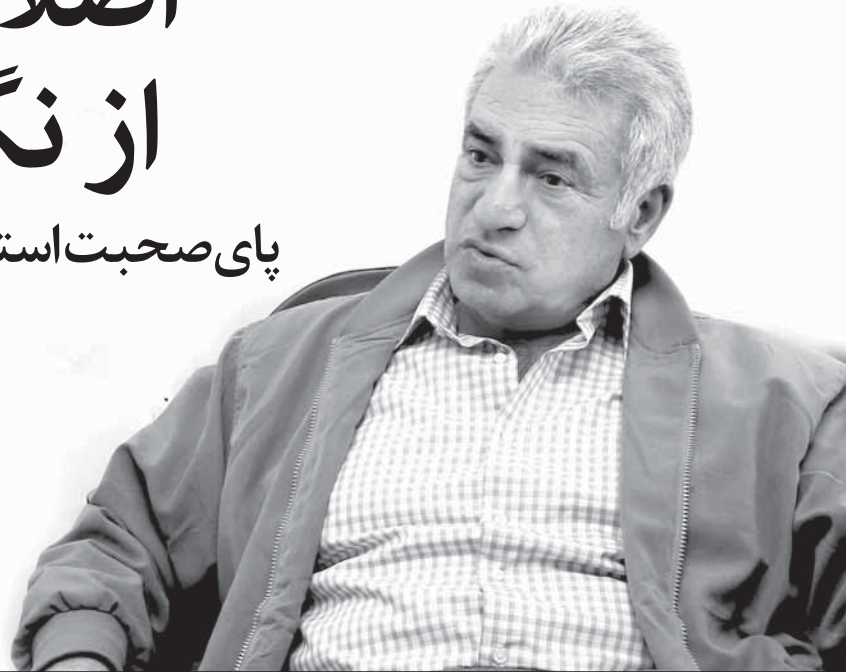


# اصلاحات ارضی از نگاهی دیگر

پای صحبت استاد محمدتقی امامی خوئی

مسعود جوادیان



## اشاره

در یک صبح بهاری همراه با غلامرضا بهرامی عکاس مجله راهی دانشگاه شهید بهشتی شدیم تا با استاد محمدتقی امامی به گفت‌وگو بنشینیم. پس از گفت‌وگو که در فضایی صمیمی صورت گرفت، خانم معصومه دیودار کار تنظیم آن را به عهده گرفت. سپس آن را برای استاد فرستادم و استاد چندی بعد آن را بازگرداند؛ با تغییرات بسیار. این شما و این هم حاصل آن گفت‌وگو.

● آقای دکتر امامی، از اینکه وقت‌تان را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم. لطفاً کمی از خودتان بگویید.

محمدتقی امامی خوئی متولد آبان ماه ۱۳۱۸ در شهر خوی. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را تا پنجم متوسطه در شهر خوی به پایان رساندم و دیپلم خود را در رشته طبیعی از دبیرستان منصور تبریز گرفتم و بلافاصله در سال ۱۳۳۸ در بانک کشاورزی مشغول خدمت شدم. در سال ۱۳۴۱ ضمن کار در دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز در رشته تاریخ به تحصیل پرداختم. همسایه و همکار استاد شهریار بودم که دوست دایی بزرگ من بود. اشعارش ورد زبان تمام جوانان بود. گاهی با حضور در خدمتش از نصایح و خاطراتش لذت‌هایی بردم.

شروع تحصیل من مصادف با شروع اصلاحات داخلی در آذربایجان بود که بانک کشاورزی برای جبران کمبود مالکین و تأمین اعتبار مورد نیاز کشاورزان نقش برجسته‌ای به عهده گرفت زیرا حسن ارسنجانی وزیر وقت معتقد بود باید نقش اساسی این برنامه عظیم را به عهده جوانان گذاشت. لذا بنده نیز ضمن

تحصیل در دانشگاه به‌عنوان رئیس اکیپ بانک برای پرداخت اعتبار عازم دهات شدم. آن موقع آگاهی در دهات بسیار اندک بود ما را رئیس خطاب می‌کردند و کلیه مشکلات خود را با ما در میان می‌گذاشتند. مثلاً برای بهبود بیماری‌های خود و خانواده‌شان از ما طلب دارو می‌کردند؛ اکثر شناسنامه‌ها با سن آن‌ها تطبیق نمی‌کرد. زیرارسم بود هنگامی که یک فرزند آن‌ها فوت می‌کرد پس از چند سال شناسنامه او را به فرزند جدید می‌دادند. زنان و دختران برای گرفتن اعتبار، از زدن انگشت ابا می‌کردند فکر می‌کردند که ما مقصد شوهر دادن آن‌ها را داریم! کشاورزان پول دریافتی از بانک را به جای سرمایه‌گذاری در کشاورزی و مایحتاج آینده صرف خرید رادیو، ضبط‌صوت، چراغ‌گاز و پتو می‌کردند و یا عازم زیارت مشهد می‌شدند؛ لذا تمام کاسب‌های نواحی به دنبال ما بودند زیرا دادن اعتبار به هر ناحیه عامل رونق موقتی کسب کار منطقه می‌شد.

اجرای برنامه اصلاحات ارضی در ابتدا به علت خلع سلاح شدن مالکین قدرتمند، با مشکلات فراوانی مواجه گردید و در بعضی نواحی موجبات قتل و اسارت کارکنان را به همراه داشت. هنگامی که شاه به همراه وزرا برای بازدید و تشویق برنامه‌ها به آذربایجان آمد اکثر کشاورزان حاضر در مسیر راه‌ها، به جای زنده باد شاه زنده باد حسن جانی (ارسنجانی) سر می‌دادند که موجبات نگرانی سازمان اطلاعات و خلع ارسنجانی از وزارت و دادن مقام سفارت ایتالیا به او گردید.

● کلاً برداشت شما از اصلاحات ارضی چه بود؟

تا زمان وزارت آقای ارسنجانی همه‌چیز به خوبی پیش می‌رفت

ولی با عوض شدن او که جانشینانش اکثر از امرای ارتش بودند و تجربه کافی در این زمینه نداشتند مشکلات اصلاحات ارضی آغاز گردید. زمین‌های مالکین به کشاورزان صاحب‌المکان (خرده مالکان مقیم دهات) واگذار گردید. کشاورزان خوش‌نشین و کم‌درآمد سهم قابل توجهی از این اصلاحات نبردند و لارویی نشدن و رها شدن قنات‌ها پس از ترک بانک‌ها که مهم‌ترین عامل هستی و بقای دهات بود منجر به حفر چاه‌های عمیق با اعتبار بانک کشاورزی برای دهات گردید. حفر چاه‌های متعدد و عدم آگاهی کشاورزان موجبات خرابی و از کار افتادن ماشین‌آلات چاه‌ها و خشک شدن چشمه‌های آب دهات و از کار افتادن چاه‌ها گردید. اصول تقسیم آب‌ها در مسیر رودخانه‌ها به علت به دست‌گیری سازمان آب و به هم خوردن سیستم تقسیم‌بندی سنتی، موجبات نزاع و برخوردی در دهات گردید. فشار بانک برای وصول بدهی کشاورزان موجبات فرار آنها به شهرها گردید. آن‌ها زمین‌های خود را با قیمت نازل به خرده مالکان می‌فروختند. در نتیجه خرده مالکان به صورت مالکان بزرگ قنات‌ها در آمدند. کشاورزان فراری به شهرها در حاشیه شهرها در حصارآبادها و حلبی‌آبادها ساکن شدند. این جوانان پاک بی‌کار دهات به وسیله گروه‌های تبه‌کار شکار شده مورد استفاده قرار می‌گرفتند و یا در کارخانجات تازه تأسیس شده خان‌ها و یا مالکین قبلی با دستمزد ناچیز بدون بیمه و بازنشستگی و... مشغول کار می‌شدند. شکل‌گیری شرکت‌های تعاونی برای کمک و تأمین نیازهای آن‌ها نیز راه به جایی نبرد هر چند کارمندان وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی زحمت می‌کشیدند ولی برنامه اصلاحات ارضی در بنیان خود مشکلات فراوانی داشت.

گسترش صنایع، رشد شهرنشینی، افزایش قشر متوسط و تحصیل فرزندان آن‌ها در دانشگاه‌ها زمینه گسترش اندیشه‌های فکری مختلف با زمینه قبلی بیشتر در مناطق شمال و آذربایجان گردید. دانشگاه‌ها به صورت مراکز فکری جامعه درآمدند مخصوصاً دانشگاه تبریز که جریانات فکری دانشگاه‌های آن روز را در دست داشت. بنده نیز کارشناسی خود را با رساله «انقلابات در قاره سیاه افریقا» تمام کردم. آن روزها افریقا مهم‌ترین مسئله روز جهان بود.

#### ● فوق لیسانس را در همان جا خواندید؟

نه؛ من در امتحان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم. تأسیس دانشکده علوم اجتماعی با عناوین دروس جدید روز با استادان مجرب به وسیله زنده‌یاد دکتر غلامحسین صدیقی جامعه‌شناس و وزیر کشور کابینه دکتر مصدق عامل جذب بسیاری از دانشجویان رشته‌های مختلف به این دانشکده گردید. من نیز روی علاقه به علوم اجتماعی، بیشتر دروس کارشناسی ارشد خود را با این گروه گذراندم ولی چون کارمند بانک در تبریز بودم و دو ساعت غیبت موجب حذف درس می‌گردید، مجبور بودم کلیه دریافتی خود از بانک را صرف خرید بلیط هواپیما کنم. آن روز بلیط تبریز - تهران هشتاد تومان و حقوق بنده چهارصد تومان بود! خوشبختانه آقای دکتر صدیقی با آگاهی از وضعیت و علاقه من به این درس شرکت مرا در کلاس‌ها آزاد گذاشت و از من

خواست راجع به اتحادیه‌های شرکت‌های تعاونی رساله کارشناسی ارشد خود را با راهنمایی او انجام دهم. این پیشنهاد او موجبات خوشحالی و افتخار من شد. من کارشناسی ارشد را در سال ۴۶ تمام کردم و برای ادامه تحصیل عازم ترکیه شدم که با بودجه‌ام سازگاری داشت. ضمن اینکه کارمند بودم، رفت‌وآمدها به ترکیه ادامه یافت. پس از چهار سال در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ دکتری با رساله سازمان‌های اداری مشغول شدم، و بلافاصله به عنوان استاد مدعو مشغول تدریس در دانشگاه ملی آن روز و شهید بهشتی امروز گردیدم. زنده‌یاد دکتر غلامرضا رعدی آذرخشی از من خواست با ترک بانک، استاد تمام وقت دانشگاه شوم ولی با توجه به سابقه کاری و حقوق دریافتی، این کار به نفع بنده نبود.

از سال ۵۰ به ترتیب در دانشگاه‌های ملی (شهید بهشتی) و تهران، و بعد از انقلاب در دانشگاه‌های تربیت معلم، تربیت مدرس، الزهرا و آزاد اسلامی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری، و بیشتر در زمینه تاریخ‌های ترک مشغول تدریس شدم. این روند را امروز نیز در دانشگاه‌های محدودی ادامه می‌دهم. در این مدت به نوشتن مقالات متعدد، هم‌چنین ترجمه و تألیف نیز پرداخته‌ام. فهرست مقالاتم در گوگل موجود است.

#### ● نظرتان درباره تاریخ چیست؟

تاریخ ما با اکثر علوم پیوند نزدیکی دارد مخصوصاً با اقتصاد. زنده‌یاد پروفسور هشترودی به هنگام سخنرانی در دانشگاه تهران در مورد نسبیت اینشتین در مورد اتم می‌گفت ۹۸ درصد مورخان و علما در مورد کشفیات خود مدیون تاریخ علوم هستند که روند تکامل علوم را از دوران اولیه تمدن تا به امروز ثبت کرده و عالمان امروزی با استفاده از تجارب ۹۹ درصد علوم گذشته یک درصد به آن افزوده‌اند. این یک درصد نیز از امروز وارد سینه تاریخ شده است. پس نقش تاریخ، تکامل عقل و خرد انسان است که در جریان تجربه عملی و کار مبارزاتی او ساخته می‌شود. اگر انسان آفریننده تاریخ است تاریخ نیز به نوبه خود سازنده انسان است؛ تاریخی که در اصالت کاری خود حرکت کند نه تاریخی که تنها به ذکر حوادث و سرگذشت نیروهای حکام و فرمانروایان آن‌ها اکتفا کند و به تعریف تمجیدشان بپردازد. زیرا تمام فرمانروایان بزرگ عالم، تاریخ می‌خوانند ولی هیچ موقع از تاریخ عبرت نمی‌گیرند.

#### ● دست‌آورد شما در این مدت ۴۳ سال معلمی چه بوده است؟

فهماندن مفهوم حقیقی تاریخ در حد توان و اندوختن دوستان بسیار خوب صمیمی از میان دانشجویان؛ این اندوخته با ارزش با هیچ چیز زندگی قابل قیاس نیست.

گر بماندیم زنده، بر دوزیم  
جامه‌ای کز فراق چاک شده  
ور نماندیم عذر ما پپذیر  
ای بسا آرزو که خاک شده

#### پی‌نوشت

استاد عطاءالله حسنی برای انجام این گفت‌وگو کمک و مساعدت کردند. بدین وسیله مراتب سپاس خود را از ایشان اعلام می‌دارم.